

وقایع الزمان

(خاطرات شکاریه)

خدیدجه نظام مافی



فهرست نویسی پیش از انتشار کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه:	معیرالممالک، دوستعلی خان
عنوان و نام پدیدآور:	وقایع الزمان (خاطرات شکاریه)
دوستعلی خان معیرالممالک	به کوشش: خدیجه نظام مافی
مشخصات نشر:	تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۹۰
مشخصات ظاهری:	۲۶۴ ص.
شابک:	۹۷۸-۹۶۴-۶۰۸۲-۶۵-۶
وضعیت فهرست نویسی:	فیا
موضوع:	معیرالممالک، دوستعلی خان، ۱۳۳۱-۱۲۷۳ ق.
موضوع:	شکار -- ایران -- خاطرات.
موضوع:	ایران -- تاریخ -- فاجاریان، ۱۳۴۴-۱۲۹۳ ق.
شناسه افزوده:	نظام مافی، خدیجه.
رده بندی کنگره:	DSR ۱۳۹۱ م ۶/۳ ۱۳۸۵
رده بندی دیویی:	۹۵۵/۰۷۴۵۰۹۲
شماره کتابشناسی ملی:	۱۷۰۰۵۱۰



نشر تاریخ ایران (شرکت سهامی خاص)

تهران، خیابان فلسطین، ساختمان ۱۱۰، طبقه سوم، شماره ۳۰۴، تلفن: ۶۶۴۶۳۰۳۰

وقایع الزمان (خاطرات شکاریه)

دوستعلی خان معیرالممالک

حروفچینی، صفحه آرایی و نظارت:	نشر تاریخ ایران
طرح جلد: مهرناز مهاجر جاسبی	لیتوگرافی: پارسیان
چاپ: شیرین	محقافی: جدی
چاپ اول: ۱۳۹۰	تیراژ: ۱۵۰۰
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۰۸۲-۶۵-۶	ISBN: 978-964-6082-65-6
قیمت:	۶۸۰۰۰ ریال

حق چاپ محفوظ و در اختیار نشر تاریخ ایران است

فهرست مطالب

۷

۱۷

۲۲۴

۲۴۷

مقدمه

متن خاطرات

فهرست تصاویر

فهرست اعلام

مقدمه

این کتاب، ششمین جلد از مجموعه خاطرات دوستعلی خان معیرالممالک است که طی سالیان متمادی، در دفاتر مختلف به رشته تحریر درآورده و آن را "وقایع الزمان" نامیده است. در حقیقت این مجموعه خاطرات شکاریه و یادداشت‌های روزمره معیرالممالک است. به نظر می‌رسد که در ابتدا هدف از تحریر این خاطرات شرح مختصری از شکار و زواله، شمارش تیرها و تعداد پرندگان صید شده بود، اما به تدریج رویدادهای سیاسی و مطالب دیگر نیز به این یادداشت‌ها افزوده گشتند. بدین ترتیب، این خاطرات تاریخچه‌ای از وقایع زمان حیات معیرالممالک را تشکیل می‌دهد.

نخستین جلد این خاطرات در سال ۱۳۱۳ هجری قمری یعنی زمانی که دوستعلی خان بیش از بیست سال نداشت، نوشته شده است. کتاب حاضر خاطرات نویسنده را از رجب سال ۱۳۲۹ ق تا ربیع‌الاول سال ۱۳۳۱ ق دربرمی‌گیرد.^(۱)

تاریخچه خانواده معیرالممالک

۱. این کتاب توسط نشر تاریخ ایران در سال ۱۳۶۱ شمسی منتشر شد.

تاریخچه خانواده معیرالممالک

نایب السلطنه اثری از الکساندر دوما نویسنده مشهور فرانسوی است. ترجمه این کتاب در سال ۱۳۲۷ق منتشر گشت. ترجمه دیگر آن مرحوم "دختر تندخوی" اثر شکسپیر و "بازگشت هزار سوار یونانی" اثر گزفنون است.

عمادالسلطنه در طی حکومت پدرش عزالدوله همراه وی بود و از گرداندندگان حکومت پدر به حساب می آید. در سال ۱۳۰۸ق که عزالدوله با خانم نگارالسلطنه نوه عباس میرزا نایب السلطنه ازدواج کرد، شهر همدان در اثر این ازدواج نا آرام گشت، حکمران از ترس مجبور به ترک شهر و حرکت به سوی تهران شد، بنابراین عمادالسلطنه به عنوان حاکم همدان از طرف ناصرالدین شاه منصوب گشت و شروع به کار کرد. او مقتدرانه این شهر آشوب زده را اداره می کند، به همین سبب مورد تشویق حکومت مرکزی قرار می گیرد.

عبدالحسین میرزا فرمانفرما در سال ۱۳۲۵ق حکومت آذربایجان را قبول می کند. عمادالسلطنه نیز همراه این شاهزاده به آذربایجان اعزام می شود و از طرف فرمانفرما حاکم شقاقی و بلرک ثلاث در منطقه می گردد. کتاب حاضر صورت مراجعین و شکاک آن محل به حاکم جهت رفع تعدی و گرفتاری خودشان می باشد که از نظر آشنایی به نوع معیشت مردم (تاریخ اقتصادی) در آن زمان و سبک زندگی آن دوران بسیار جالب و حائز اهمیت می باشد.

پس از به توپ بستن مجلس شورای ملی به دستور محمدعلی شاه قاجار در رجب ۱۳۲۶ق مجلس "دارالشورای کبری" برای تصمیم گیری مملکتی شروع به کار می کند، عمادالسلطنه نیز به دستور شاه از اعضاء این مجلس و تا پایان کار این مجلس در آن مشغول به کار بود.

همچنین او در هشتم رمضان ۱۳۲۸ق در دیوان تمیز مشغول به کار شد و تا جمادی الاخر ۱۳۲۹ق در این اداره مشغول بوده است.

از ۱۷ صفر ۱۳۲۱ در خزانه داری کل به عضویت محکمه قضائی منصوب شد، در باب خالصجات و پس از انحلال خزانه داری کل محاکمات خالصه در وزارت دارایی به نام محاکمات مالیه عمادالسلطنه قاضی محکمه بوده و گاهی در موقع تغییر رؤسای محکمه در فاصله تعیین رئیس جدید کفالت اداره محاکمات با او بود. از رمضان ۱۳۴۲ منتظر خدمت می گردد و از تاریخ ۳ صفر ۱۳۴۵ با حقوق منتظر خدمت در محاکمات وزارت دارایی مشغول به کار بود.

له و دندان درد درگذشت. دوستمحمدخان به هنگام فوت پدر هفده سال بیشتر نداشت. پس از مدت کوتاهی، ناصرالدین‌شاه کلیه مناصب پدر را به استثناء حکومت گیلان و یزد به دوستمحمدخان واگذار نمود.

معیر جوان روحیاتی متفاوت از پدر خود داشت، به هیچ وجه مایل به مشاغل دولتی و خدمت در دستگاه سلطنتی نبود. او پس از اندک زمانی عریضه‌ای به شاه نوشت و تقاضای استعفاء از کلیه مناصب خویش نمود؛ سپس بدون اجازه عازم اروپا شد. این حرکت دوستمحمدخان باعث رنجش خاطر ناصرالدین گردید. اگرچه پس از مدتی، با وساطت عصمت‌الدوله، معیرالممالک به ایران بازگشت، ولی تا پایان عمر همچنان از پذیرفتن هر نوع سمت و مسئولیتی خودداری کرد. دوستمحمدخان اکثر اوقات خود را صرف پرورش گل و مرکبات و میوه‌های نایاب، نگهداری و ازدیاد طیور، نقاشی، عکاسی و تمرین خط و مطالعه و گردآوری کتب نفیس و آثار هنری نمود.

در سال ۱۳۲۳ق دوستمحمدخان معیرالممالک همسر خود خانم عصمت‌الدوله را از دست داد و پس از مدتی به بیماری لاعلاجی مبتلا گشت، بنابر این برای معالجه عازم اروپا شد. او در سال ۱۳۳۱ق در اودسا فوت کرد. از دوستمحمدخان و خانم عصمت‌الدوله چهار فرزند به جا ماند که دوستعلی‌خان، نویسنده این خاطرات پسر ارشد است.

شرح حال و خصوصیات نویسنده

دوستعلی‌خان در سوم رجب ۱۲۹۳ق در باغ فردوس نجریش به دنیا آمد.^(۱) او دوران کودکی و نوجوانی را تحت سرپرستی شاهزاده جهانگیرمیرزا، دایی خانم عصمت‌الدوله گذراند. دوستعلی‌خان فارسی، عربی، تعلیم خط و زبان فرانسه را نزد میرزا محمد شمس‌القصبا، متخلص "به محیط"، میرزا غلامرضا اصفهانی خوشنویس و مسیو باتامی فرانسوی فراگرفت. وی از سنین نوجوانی به نقاشی علاقه داشت، بنابر این از سن ده سالگی در جهت آموختن این هنر گام برداشت. حضور نقاشانی چون میرزا اسمعیل جلاپور و میرزا موسی در دستگاه پدر، پرورش

۱. ماده تاریخ تولد دوستعلی‌خان اثر میرزا غلامرضا خوشنویس در انتهای کتاب ارائه شده است.

این استعداد را در او تسهیل نمود. او در شانزده سالگی پرده نقاشی سیاه قلمی ترسیم ساخت و تقدیم ناصرالدین شاه نمود. دوستعلی خان در فن تصویرسازی و منظره استاد بود. پرده‌های بسیار زیبا و زنده از پرندگان شکاری و مناظر شکار از ایشان به جای مانده است.

دوستعلی خان آموختن شکار را همچون سایر فنون، از سنین کودکی شروع کرد و از ده سالگی همراه پدر و سایر همراهان به شکارهای بزرگ و طولانی می‌رفت. اغلب این سفرها در تابستان، پاییز و زمستان و اکثراً در شکارگاه‌های معروف مانند: شهرستانک، لار، لویزان، لونیز، هرده‌رود، کلاردشت، جاجرود و غیره انجام می‌گرفته است. او در جوانی تجهیزات مخصوصی برای خود را فراهم آورد و غالباً پدر و سایر دوستان را به شکارگاه‌ها دعوت می‌نمود. او به شکار پرندگان بیش از شکار دیگر حیوانات راغب بود و این مطلب را خود در خاطراتش عنوان می‌کند.

دوستعلی خان نیز مانند پدر علاقه چندانی به مشاغل دولتی و مناصب درباری نداشت. بنا به اصرار داییش کهران میرزا نایب‌السلطنه، در سن هفده سالگی او وارد خدمت نظام شد، زیر نظری تعلیمات نظامی را آموخت و چند سالی با درجه امیرتومانی خدمت کرد. در دوران تصدی وزارت جنگ توسط شاهزاده وجیه‌الله میرزا سپهسالار، وزارت مخزن نظام^(۱) که او محول شد. مدتی این سمت را به عهده داشت، ولی سرانجام استعفاء کرد و از آن پس از پذیرفتن هر نوع منصبی خودداری نمود و بقیه عمر را دور از سیاست گذراند. دوستعلی خان از دخالت در کشمکش بین مشروطه‌خواهان و طرفداران سلطنت خودداری می‌نمود و همانند پدر، در این بین بی‌طرفی را اختیار کرد. در دوران سلطنت احمدشاه، او بیش از پیش از دربار کناره گرفت و فقط به دیدارهای اعیاد اکتفا می‌کرد.

معیرالممالک دوبار ازدواج کرد. نخستین همسر او نوش‌آفرین خانم اعظم‌السلطنه، دختر میرزا علی‌اصغر خان اتابک بود و ثمره این ازدواج سه فرزند بوجود آورد. پس از چندین سال این ازدواج منجر به جدایی گردید و دوستعلی خان با شمس‌النهار خانم - فرخ‌السلطنه - دختر عموی خود ازدواج کرد

و از ایشان نیز صاحب چهار اولاد شد. او اغلب اوقاتش را همانند پدر به مراقبت و پرورش پرندگان نیایاب و همچنین به نقاشی و خطاطی می پرداخت. نمونه هایی از نقاشی و خط ایشان در انتهای کتاب ارائه شده است. دوستعلی خان در جوانی ملقب به اعتصام السلطنه بود و پس از فوت پدر ملقب به معیرالممالک گردید. او در ۲۴ آبان ۱۳۴۵ ش، در سن نودسالگی زندگی را بدرود گفت. در انتهای این جلد از خاطرات جمله ای از ایشان آمده است که ذکر آن در این جای مناسب نیست: «بنده دو چیز باقی گذاردم که پس از بدرود غالباً به یاد اهل زمان خواهم بود: یکی پرده نقاشی زیادی است که اغلب زمان را به آن گذرانده ام؛ دیگر عبارات راست و مختصر بی ترتیبی که در جزوه شکاریه خود نوشته ام که موسوم به «وقایع الزمان» است و یکی از آن ها همین مجله است».

پیش از آنکه به تشریح نحوه برخورد نویسنده با وقایع زمان خود بپردازیم، بیان خلاصه ای از اوضاع و احوال ایران در دوران نگارش این خاطرات ضروری به نظر می رسد. سال ۱۳۴۹ ق که در واقع زمان شروع این کتاب است، سالی بحرانی و توأم با کشمکش، هرج و مرج و ناامنی به نظر می رسید. پنج سال از انقلاب مشروطه گذشته و هنوز امنیت به طور کامل مستقر نشده است. اختلاف بین مشروطه خواهان و سلطنت طلبان همچنان ادامه دارد؛ به علاوه، وجود دودستگی فیمابین و کلای مجلس نیز به این بحران دامن می زند. در هر گوشه مملکت عده ای سر به طغیان گذارده اند.

معیرالممالک می نویسد: «دوره عجیب و درهمی است، هر کس در هر جا هست حکمرانی می نماید، تقریباً ملوک الطوائفی است، شایعه ورود محمدعلی شاه به ایران اوضاع سیاسی را مغشوش تر نموده است. تهران در معرض خطر محمدعلی شاه و سه تن از طرفدارانش سالارالدوله، شجاع السلطنه و رشیدالسلطان قرار گرفته که از مناطق مختلف به سوی پایتخت روی آوردند. عکس العمل دولت در این موقع، تمویض کابینه است و بسیج لشکر برای مقابله با محمدعلی شاه و بالاخره، اعلان حکومت نظامی در تهران. در زمانی کوتاه چندین کابینه پی در پی تشکیل شد. مسئله مهم دیگر، اولتیماتوم دولت روس بود که نه تنها به بحران سیاسی می افزود، بلکه چند دستگی و اختلافات موجود

را نیز شدت می‌بخشید و در نهایت منجر به بسته شدن مجلس گشت.

معیرالممالک خاطراتش را همزمان با چنین بحران سیاسی - اجتماعی می‌نویسد، و به همین سبب می‌توان بازتاب این وضعیت بحرانی پایتخت را در سطور کتاب مشاهده کرد. اساساً برداشت نویسنده از رویدادهای زمان و موقعیت سیاسی ایران منفی است. دوستعلی‌خان آن دوران را "زمان منحوسه" و "دورهٔ برباد دادن ایران" ذکر می‌کند. او که از اغتشاش و نابسامانی مملکت نگران و متأثر است، می‌نویسد: «آذربایجان به کلی رفت درید تصرف روس؛ حال دیگر خداوند چه خواسته باشد که ما دوباره دولتی بشویم یا خیر، خداوند عالم است!». دربارهٔ وضع نابسامان مملکت از وکلا انتقاد می‌کند و می‌نویسد: «هرچه در این چند سال در ایران وقوع یافت، نتیجهٔ اعمال وکلای ناجور است»، «قسم به خداوند که اگر بدانند چه می‌کنند؛ فقط چیزی که هست، باقی ماندهٔ دیوار خراب مملکت را با کلنگ نادانی و این الفاظ مهمل دارند خراب می‌کنند». او مانند بسیاری از رجال آن دوره، طرفدار افراتیون نبود. در اغلب موارد انتقاداتش متوجهٔ این گروه از افراد است، آنان را در حوادث جاری مقصر می‌داند و می‌نویسد: «حالا جز الفاظ جدید الاختراع و هرج و مرج چیز دیگری نه دیده می‌شود، نه شنیده».

معیرالممالک راجع به ایران بی‌اندازه دلسوز است و مکرر این مطلب را در خاطرات عنوان می‌کند و گاه از خداوند طلب توفیق می‌خواهد: «خداوندا! ترا قسم می‌دهم به مقریان پاک درگاهت که این وضع خونریزی و هرج و مرج و ناامنی را از ایران بگردان». او همچنین از نفوذ و سیاست دول روس و انگلیس در ایران نگران است و دولت را در این مسئله مقصر می‌داند. وی با استخدام مستشاران خارجی، حقوق و مزایای آنها از جمله، نوز بلژیکی سخت مخالف است و همچنین از اختیارات شوستر آمریکایی انتقاد می‌کند و او را به طعن "سلطان ایران" خطاب می‌کند. آگاهی نویسنده از مسائل سیاسی روز در متن این خاطرات کاملاً نمایان است.

به‌طور کلی خصوصیات اخلاقی بارزی را در معیرالممالک می‌توان نام برد. او شوخ طبع، نقاد، خرده‌گیر، آگاه به مسائل سیاسی، دلسوز نسبت به ایران و

وطن پرست بوده است. انتقادات، اصطلاحات و تشبیهات او توأم با نوعی مزاح است. غالباً دوستان را با نام مستعار خطاب می کرد و اسامی جدیدی برای موضوعات مختلف به کار می برد. او همچنین در بیان عقایدش صادق و صریح است. دوستعلی خان در بعضی مسائل سنت گرا و در برخی دیگر متجدد است. او اعیاد، مراسم مذهبی و سنتی را محترم می شمرد. برخورد او با غرب و آشنایی با فرهنگ مقرب زمین، تأثیر عمیقی بر روحیه وی به جای گذاشت. او در نهایت وابستگی به آداب و سنن ایرانی، به تمدن غرب نیز غبطه می خورد و گاه با حسرت از بعضی مسائل و عقب ماندگی ایران صحبت می کند.

یکی از خصوصیات بارز دوستعلی خان سبک نگارشش می باشد. قلم او شیوا، شیرین، روان و ساده است و استعداد مخصوصی در توصیف مناظر طبیعت و شرح صحنه ها داشت. دوستعلی خان در واقع نویسنده متبحری بود. گذشته از "خاطرات شکاریه"، کتاب "یادداشت هایی از زندگی خصوصی ناصرالدین شاه" و سلسله مقالات "رجال عصر ناصری"^۱ در این مجموعه منتشر خواهد شد.

اگرچه سبک نگارش معیرالممالک در مجموعه "خاطرات شکاریه" متفاوت از نوشته های سالیان بعد وی بود، ولی این یادداشت ها نیز از شیرینی بیان و زیبایی کلام نویسنده کماکان برخوردارند. گرچه این خاطرات مؤید نوشته های عهد جوانی دوستعلی خان است، اما "رجال عصر ناصری" و "یادداشت هایی از زندگانی خصوصی ناصرالدین شاه" نمایانگر تکامل و ثبات قلم اوست.

اهمیت این خاطرات

خاطرات شکاریه معیرالممالک از چندین جنبه ارزشمند است. ابتدا به لحاظ تاریخ اجتماعی و سیاسی حائز اهمیت می باشد. نویسنده نه تنها شرح زندگی روزمره خود را که نماینده فردی از طبقه اشراف آن دوران بوده روزانه

۱. یادداشت هایی از زندگانی خصوصی ناصرالدین شاه، دوستعلی خان معیرالممالک، چاپ سوم بهار ۱۳۷۲، نشر تاریخ ایران؛ رجال عصر ناصری، دوستعلی خان معیرالممالک، چاپ اول، ۱۳۶۱، نشر تاریخ ایران

تحریر کرده، بلکه شرحی از وقایع سیاسی، اخبار و شایعات را نیز روزانه و از زبان یک ناظر بازگو می‌کند. دوستعلی‌خان می‌نویسد: «این بنده آنچه از مختصری مطول می‌نگارد، از خود نمی‌نویسم که اگر دروغ بشود خرده بگیرند. آنچه می‌شنوم از ده هزار یکی را می‌نویسم». او در مورد صحت رویدادها می‌گوید: «بنده آنچه را می‌شنوم می‌نویسم، دیگر به دروغ و راست آن کار ندارم». بنابراین می‌توان گفت از جنبه تاریخ‌نگاری نیز این خاطرات با ارزش است. نویسنده اتفاقات روزمره آن دوره را بی‌طرفانه و بدون قصد و غرض برای آیندگان به رشته تحریر درآورده است.

کتاب حاضر از جنبه خاطرات شکار نیز حائز اهمیت می‌باشد. این نوع خاطرات در تاریخ معاصر ایران بسیار نادر است و به غیر از «سرگذشت مسعودی»^(۱) که شرح شکارهای بزرگ ظل‌السلطان در مازندران و اطراف اصفهان و فارس بیان می‌کند، خاطرات شکاری دیگری به چاپ نرسیده است.^(۲) اگرچه معیرالممالک به هنگام تحریر این یادداشت‌ها، بنابه مقتضیات زمان به صید روزانه در اطراف تهران می‌پرداخت، و احتمالاً کیفیت این نوع شکار از نظر متخصصین فن چندان ارزشمند نیست، با این حال از اهمیت این خاطرات نمی‌کاهد. زیرا که فهرستی از اسامی پرندگان مناطق اطراف تهران، شکارگاه‌ها و همچنین اصطلاحات شکار را به دست می‌دهد که در نوع خود فرهنگ ارزشمندی را به وجود آورده است.^(۳)

در خاتمه لازم به تذکر است که چاپ اول این کتاب در سال ۱۳۶۱ شمسی با کمک و همراهی مرحوم آقای محمدعلی معیری، اولاد دوستعلی‌خان معیرالممالک انجام پذیرفت. توضیحات و زیرنویس‌های مربوط به اسامی پرندگان و اصطلاحات شکار همگی از قول ایشان است. چاپ این خاطرات

۱. سرگذشت مسعودی. خاطرات مسعود میرزا ظل‌السلطان است که روزنامه رسمی و شرح شکار او بوده و در سال ۱۳۲۳ با چاپ سگی به طبع رسیده است.

۲. برای اطلاع بیشتر از خاطرات شکاریه رجوع شود به: حیات وحش ایران (مهره‌داران) مهندس اسکندر فیروز، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول ۱۳۷۸، ص ۱۳ - ۷.

۳. برای اطلاع بیشتر از پرندگان ایران رجوع شود به کتاب: پرندگان ایران، سازمان حفاظت محیط زیست، چاپ دوم ۱۳۶۲.

بدین شکل مدیون راهنمایی‌های ایشان است که خود نیز بسیاری از خصوصیات، ذوق و نبوغ هنری پدر را دارا بود. روحشان شاد باد. خدیجه نظام‌مافی